

تحلیلهای سلوک

نظری بر هفت اقلیم سلوک در مثنوی معنوی مولانا

ننداج

سرشناسه	: پاژاج، ندا، ۱۳۶۳ -
عنوان قراردادی	: مثنوی، برگزیده، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: تجلیگاه سلوک : نظری بر هفت اقلیم سلوک در مثنوی/ ندا پاژاج.
مشخصات نشر	: اصفهان: گفتمان اندیشه معاصر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۰ ص.
شابک	: ۹۷۸۶۰۰۶۰۸۴۵۹۶: ۱۰۰۰۰۰ ریال
سبب فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: نظری بر هفت اقلیم سلوک در مثنوی.
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- آداب طریقت
موضوع	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی -- نقد و تفسیر
موضوع	: آداب طریقت در ادبیات
شناسه افزوده	: مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق. مثنوی، برگزیده، شرح
رده بندی کنگره	: ۲۷۰.۹۲۳: ۵۷۳ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۵۹/۳۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۰۶۶۳۲



گفتمان اندیشه معاصر

۰۹۱۲۲۵۱۳۲۲۸ - ۰۹۱۳۳۰۴۰۹۳۹

gofteman@yahoo.com

gofteman@hotmail.com

www.Goftemanv6.ir

تجلیگاه سلوک

مراحل هفتگانه سلوک در مثنوی

ندا پاژاج

ناشر: گفتمان اندیشه معاصر

شمارگان: ۱۰۰۰ شابک: ۹۷۸۶۰۰۶۰۸۴۵۹۶ قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۲

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۱
فصل اول	
۱-۱ تعریف طلب	۴
۱-۲ طلب در مثنوی	۸
۱-۳ تهذیب نفس	۲۰
۱-۴ احتیاج به شیخ و تربیت انسان در سلوک راه	۳۰
فصل دوم	
۲-۱ عشق	۳۸
۲-۲ تعریف عشق	۳۸
۲-۳ عشق در مثنوی	۴۴
فصل سوم	
۳-۱ معرفت	۸۱
۳-۲ تعریف معرفت	۸۱
۳-۳ معرفت در مثنوی	۸۹
فصل چهارم	
۴-۱ استغنا	۱۰۵
۴-۲ تعریف استغنا	۱۰۵
۴-۳ استغنا در مثنوی	۱۰۸
فصل پنجم	
۵-۱ توحید	۱۱۲
۵-۲ تعریف توحید	۱۱۲
۵-۳ توحید در مثنوی	۱۱۹
۵-۴ توحید افعالی	۱۲۷
۵-۵ توحید صفاتی	۱۳۵
۵-۶ توحید ذاتی	۱۳۸
فصل ششم	
۶-۱ حیرت	۱۴۰

۱-۶ تعریف حیرت ۱۴۰

۲-۶ حیرت در مثنوی ۱۴۳

فصل هفتم

۷. فقر و فنا ۱۴۶

۱-۷ تعریف فقر و فنا ۱۴۶

۲-۷ تعریف فقر ۱۴۹

۳-۷ تعریف فنا و بقا ۱۵۴

۴-۷ فقر در مثنوی ۱۵۱

۵-۷ فنا در مثنوی ۱۶۳

۱-۵ فقر در مثنوی ۱۸۵

۲-۵ فقر در مثنوی ۱۹۸

۳-۵ فنا در مثنوی ۲۰۱

۴-۷ فقر و فنا در مثنوی ۲۰۴

۷-۷ فقر و فنا در مثنوی ۲۱۴

فهرست منابع ۲۱۶

این اثر را به پاس همکاری‌ها و تشویق‌ها و تحمل زحمته‌ها، به همسر مهدی تقدیم می‌کنم.

مقدمه

مثنوی نغمه الهی و سرودی روحانی است که از زبان مردی فرشته‌خو و عاشق بر تربیت بشر سروده شده است و منظور گوینده آن نه کسب نان و نام است و نه اظهار فضل و هنر بلکه سرپای وجودش از عشق به هدایت و راهبری مردم خبر می‌دهد. تعلیماتش عطر ذوق و عمل می‌پراکند و هدایتش به علم و درک وجدانی محدود نمی‌شود. برای سالک از آتش نمی‌گوید، بلکه دستش را با سوزش رازهایش گشایا می‌کند. مثنوی تراوش عشق است که جاوید و پایدار، پیشاپیش بشریت حرکت می‌کند. شکر سیرت باقی وجود است و گشاینده رازهای روح بشر و تفسیرکننده قرآن، مثنوی نردبانی است که محو می‌کند مولانا پله‌های آن را همه جا می‌بیند. گاه از رؤیت جوانه‌ای که دنیای ظلمانی خاک را روی گدازد و به پیشی رسیده، از تیرگی تن رها می‌شود و به بهشت می‌رسد. گاه از مروارید اشک، به شکست دل در می‌آید، و در جوار حق ساکن می‌شود. گاه بانگ الرحیل او را از جای می‌برد و ترک زاد و بوم می‌کند و سفر روحانی می‌شود. «از درس و وعظ منقطع می‌گردد تا قدم بر پله تبّتل گذارد، با طلق و رشید شمس در عشق او محو می‌شود تا درس فنا بیاموزد. با فقر ترک اعتماد بر اسباب می‌کند و بر سر تریه‌رهایی از وفار حشمت. با سماع و شعر در دنیای ماورای حس نفوذ می‌کند» (با اقتباس از زمین‌کوب، ۱۳۷۰، ص ۳۰۲) و اینگونه با سلوک عملی به انتقاد مدّعیانی که می‌گویند:

قصّه پیغمبر است پستی زوی

کاین سخن پست است یعنی مثنوی

که دوانند او را آن سوسه‌سند

نیست ذکر بحث و اسرار بلند

پایه پایه تا ملاقات خدا

از مقامات تبّتل تا فنا

که به پر زو بر پرد صاحب دلی

شرح و حدّ هر مقام و منزلی

۴۲۳-۳۲۸

پاسخ می‌دهد. بنابراین مولانا در دریای بی‌کران مثنوی درس قدم نهادن بر پله تبّتل تا مرحله فنا را به سالکان راه می‌آموزد. برای شناخت این مراحل در این مجال به سیر و سلوک عطار در کتاب منطق الطیرش نظر افکندیم تا این مراحل را با قدوم مولانا طی کنیم؛ زیرا ارتباط معنوی و پیوستگی روحانی مولانا به عطار انکارپذیر نیست. بنابر گفته جامی در تذکرة الشعراء: «وقتی مولانا به همراه پدر خود از بلخ هجرت کرد در نیشابور با شیخ عطار ملاقات کرد و عطار کتاب اسرارنامه را به وی داد».

که خود دلیل بر آن است که مولانا آثار عطار را مطالعه کرده است. کثرت مطالب و حکایاتی که مولانا از آثار عطار در مثنوی و غزلیات اقتباس کرده خود دلیل دیگری است بر آنکه وی با آثار او انس داشته است. شناخت مثنوی منوط بر شناخت سخن سنایی و عطار است به روایت افلاکی «روزی حضرت مولانا فرمود که هر که به سخنان عطار مشغول شود، از سخنان حکیم مستفید شود و به فهم اسرار آن کلام رسد و هر که سخنان سنایی را به حد تمام مطالعه کند به سر سخن ما واقف شود.» (فروزانفر، ۱۳۷۴، صص ۶۸-۷۳)

در این کتاب سعی بر آن است که مراحل هفتگانه سلوک «طلب، عشق، معرفت، استغنا، توحید، حیرت، فقر و فنا» را که عطار قبل از مولانا طی کرده است، در مثنوی جستجو کنیم. بدین منظور کار را با بحث و تعریف می‌گیریم. در قدم اول که عطار نام «طلب» بر آن نهاده است، ابتدا به تعریف و شناخت دیدگاه‌های گوناگون در این باب می‌پردازیم و نظر و دیدگاه مولانا را در موضوع طلب می‌جوئیم. علاوه بر بحث طلب به «تهذیب نفس» نیز نظری می‌افکنیم، زیرا بحث تهذیب و تزکیه نفس از مراحل اولیه سلوک تا آخر تمام‌ها همراه سالک است. همچنین در این وادی به بحث «لزوم پیروی از پیرو مرشد» نیز می‌پردازیم، زیرا اهمیت آن در نزد مولانا تا به حدی است که اگر سالک راه حق، به راهبری پیری ناردان طی طریق نکند به خورشید حقیقت نایل نمی‌شود و در میانه راه باز می‌ماند. در قدم دوم که عطار نام «عشق» به ای آن برگزیده است، از زیباترین کلمه عالم سخن می‌گوییم و با دید مولانا به آن نظر می‌افکنیم که گاهی از فراق مویه می‌کند و گاه از آسان شدن سختی‌های راه سخن می‌گوید. گاهی نظری بر رضا می‌افکند و در غیرت عاشق و معشوق داد سخن می‌دهد. در قدم سوم وارد وادی «معرفت» می‌شویم و همچون مراحل گذشته به شناخت دیدگاه‌های گوناگون عرفا در باب این وادی می‌پردازیم و نظر مولانا بر شناخت و معرفت حق جويا می‌شویم. در گام چهارم به «استغنا» می‌رسیم و علاوه بر شناخت وادی آن را در دو جزء استغنائی عبد و حق پی می‌گیریم. در گام پنجم که عطار آن را «توحید» نام نهاده است، پس از شناخت دیدگاه‌های عرفا در باب توحید، نظر مولانا را در سه مرحله توحید: افعالی، صفاتی و فانی پی می‌گیریم. در گام ششم با «حیرت» آشنا می‌شویم و نظر مولانا را در دو بخش حیرت مذموم و حیرت مدحیه پی می‌شویم. در گام آخر، گام هفتم به فقر و فنا می‌رسیم. ابتدا با فقر آشنا می‌شویم، دیدگاه مولانا را با آن جستجو می‌کنیم؛ بعد از آن به بحث فنا می‌پردازیم و با شناخت آن، نگاه مولانا را در سه مرحله فنا: افعالی، صفاتی و ذاتی شرح می‌دهیم. در مرحله بعد فنا و بقا را در ابیات جستجو می‌کنیم و از آن با قرار دادن دو اصطلاح فقر و فنا در کنار هم نظر مولانا را در باب آن بیان می‌کنیم. در آخر باید به این نکته اشاره کرد که تعیین حد و مرز مشخص بین مراحل امکان‌پذیر نیست؛ زیرا گاه طلب با مفهوم عشق یکی می‌شود و سالک ابتدا عاشق می‌شود تا طالب شود. گاه عاشق فانی می‌شود و فانی عاشق. گاه

تجلیگاه سلوک ۳

موحّدی که به توحید افعالی رسیده است با نگاه فنا به جهان می‌نگرد و گاه فانی به وحدت و یگانگی می‌رسد.

امید است این اثر بتواند زمینه را برای پژوهش‌های گسترده‌تر و ژرف‌تری فراهم آورد. نگارنده در اینجا بر خود فرض می‌داند که از استادان ارجمند جناب آقای دکتر مسیح بهرامیان و جناب آقای دکتر عطا محمد راد مشق، که از بذل هر گونه مساعدتی دریغ نورزیدند تشکر و قدردانی کند.

www.ketab.ir